



توسعه دانشگاه و آموزش

(۲)

مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران
معاونت تحقیقات



اشاره،

نخستین بخش مقاله حاضر در شماره گذشته تقدیم شما خوانندگان عزیز شد. بخش دوم که حاوی دلایل انتخاب ضبط جدید در کلمات قرآنی است، اینک از نظر گرامی شما می‌گذرد.

بخش دوم: دلایل

سه ویژگی مهم ضبط جدید عبارتند از:

۱. عدم استفاده از علائم همراه مصوت‌های کشیده.
 ۲. عدم استفاده از علامت برای حرف ساکن.
 ۳. عدم استفاده از علامت برای حرف ناخوانا.
- در ادامه به دلایل عدم استفاده از این علائم اشاره می‌شود.

حرکات کشیده

در مصاحف موجود برای نشان دادن حرکات کشیده (مصوت‌های بلند) روش‌های مختلفی وجود دارد که در پیوست‌های شماره یک و دو شماره قبل به آن‌ها اشاره شده است. همان‌طور که در این دو پیوست نیز مشخص است، در هیچ یک از حالات موجود، بین چهار روش ضبط رایج در کشورهای اسلامی، اتفاق نظر وجود ندارد و گاه در ضبط رایج در یک منطقه خاص، برای نشان دادن یک مصوت، دو روش مختلف وجود دارد.

نظر قدما

بسیاری از علمای سلف بویژه در منطقه مشرق، با استفاده از علائم و حرکات همراه، برای نشان دادن حرکات کشیده، مخالف بودند. برای نمونه می‌توان به قول «ابن المنادی» در این باره اشاره کرد. وی می‌گوید:

«اگر خواستی می‌توانی برای حرف (ی) در «یوقنون» و «یورث» و مانند آن نقطه‌ای در نظر بگیری و اگر خواستی نیز می‌توانی این کار را نکنی. همچنین است در مورد «صاد» اول در کلمه «مرصوص». ولی بیش تر ناظران برای این گونه موارد نقطه‌ای در نظر نمی‌گیرند.»^۱

ابن المنادی در پایان بر این نکته تأکید می‌کند که اکثر کاتبان قرآن کریم در مشرق در زمان وی (قرن چهارم) برای نشان دادن حرکات کشیده از علائم همراه استفاده نمی‌کردند.^۲

نظر معاصران

همان‌طور که ملاحظه شد، در تمام شیوه‌های ضبط رایج در کشورهای اسلامی برای نشان دادن حرکات کشیده از علائم همراه استفاده شده است.^۳ در میان چهار روش مذکور، دو روش رایج در کشورهای عربی و شبه قاره هند بر اساس یک توجیه و نظر نحوی بنا شده‌اند.

از نظر علمای نحو سنتی، فتحه کشیده عبارت است از الف ساکن ماقبل مفتوح و کسره کشیده عبارت است از یای ساکن ماقبل مکسور و واو کشیده عبارت است از واو ساکن ماقبل مضموم. از این رو در این دو روش، پیش از حرف الف، فتحه و پیش از حرف یاء، کسره و پیش از حرف واو، ضمه نوشته شده است. در روش هندی برای نشان دادن نظر فوق، بر روی این سه حرف، علامت سکون نیز قرار گرفته است.

در مقابل این نظر، بسیاری نیز بر این باورند که اشکال «الف، ی، و» علاوه بر آن‌که برای نشان دادن حروف (صامت‌ها) به کار می‌روند، نشان دهنده حرکات کشیده (مصوت‌های بلند) نیز هستند. آقای دکتر ابراهیم انیس در این باره می‌گوید:

«اما گذشتگان راه درست را نپیمودند؛ زیرا گمان کرده‌اند که پیش از حروف مدی، حرکت‌های کوتاه وجود دارد و گفته‌اند که مثلاً در کلمه «کتاب»، حرف «تاء» فتحه دارد و حرف «راء» در «کریم» کسره دارد و روی «قاف» در کلمه «يقول» ضمه است. اما حقیقت این است که در این موارد، حرکت کوتاهی وجود ندارد؛ بلکه حرکت «تا» در «کتاب» الف مدی و حرکت «را» در «کریم» تنها یای مدی و حرکت «قاف» در «يقول» واو مدی است.»^۴

به طور کلی زبان شناسی معاصر عربی، الف، یاء و واو را به تنهایی و بدون علائم همراه نمادهایی برای مصوت‌های بلند (آ)، (ای) و (او) به شمار می‌آورد.^۵

نظر مرکز

این مرکز با توجه به مجموع مطالبی که در بالا به آن‌ها اشاره شد و همچنین مبنای اصولی خود مبنی بر عدم استفاده از علائم و حرکات زاید و سلیقه‌ای در ضبط کلمات قرآن کریم، به این نتیجه رسید که در ضبط جدید برای نشان دادن حرکات کشیده از علائم همراه استفاده نشود.

لازم به ذکر است که در آزمون‌های متعددی که تاکنون از سوی

این مرکز به عمل آمده و نیز در آزمونها و نظرسنجی های وزارت آموزش و پرورش که در سطح مدارس کل کشور صورت گرفته این موضوع ثابت شده است که عدم استفاده از این علائم نه تنها باعث دشوار شدن امر قرائت قرآن کریم نشده بلکه به مراتب آن را آسان تر کرده است.^۶

حرف ساکن

حالت سکون از نظر آوایی وضعیت پیچیده ای دارد؛ از این رو تعریف کردن آن کار دشواری است. حرف ساکن هر چند با حرف ناخوانا فرق می کند اما نمی توان آن را با حرف متحرک نیز مقایسه کرد. حرف ساکن بر خلاف حرف متحرک، فاقد صوت زبانی است. به این معنا که نه می توان حالت سکون را بیان کرد و نه می توان آن را شنید. به عبارت دیگر، سکون نه نمود آوایی دارد و نه تأثیر شنیداری^۷؛ بنابراین سکون حرکت نیست بلکه عدم حرکت است.

نظر قدما

بنابر قول مشهور، خلیل بن احمد فراهیدی نخستین کسی است که برای حرف ساکن علامت خاصی را به شکل رأس الخاء ابداع کرد. هر چند وی اهل بصره بود، ولی از آن جا که علمای ضبط در عراق اصولاً درباره نیاز حرف ساکن به علامت مشخصه، با یکدیگر اختلاف نظر داشتند^۸، بسیاری از کتاب مصاحف نیز در آغاز از استعمال این علامت در ضبط کلمات قرآن کریم خودداری کردند. علمای ضبط و نقط در عراق تنها در مورد قرار دادن نقطه بر روی همزه ساکن با یکدیگر اتفاق نظر داشتند.^۹ نکته قابل توجه این که آن دسته از کتاب مصاحف و علمای ضبط که قابل به مشخص کردن علامت تمام حروف اعم از ساکن یا متحرک در کتابت مصاحف هستند، در مواردی از قرار دادن این علامت روی برخی از حروف خودداری می کنند. از جمله این موارد می توان به حالات ادغام، اخفاء و ابدال حرف نون و اخفاء حرف میم نزد برخی از حروف اشاره کرد که در کتب تجوید به تفصیل درباره آن ها صحبت شده است.^{۱۰} این در حالی است که این گروه از کاتبان قرآن کریم در مواردی حروف ناخوانا را نیز بدون علامت نوشته اند. روش موجود در ضبط کلمات قرآن کریم - که در اکثر کشورهای عربی رایج است - بر این اساس است.^{۱۱} هر چند حذف سکون در این موارد برای نشان دادن احکام تجویدی است، ولی باید توجه داشت که در این موارد برای

خوانندگان قرآن کریم و بویژه مبتدیان و نوآموزان مشکل خاصی به وجود نیامده است. بسیاری از قاریان محترم حتی متوجه عدم استفاده از علامت سکون در این موارد نشده اند!

نظر معاصران

برخی از زبان شناسان و صاحب نظران زبان عربی بر این باورند که برای درست خواندن متون عربی و رواج زبان فصیح عربی در میان مردم، باید این متون به صورت «مشکل» نوشته شوند؛ ولی در تشکیل این متون باید تنها به علائم ضروری و مؤثر در خواندن اکتفا کرد. از نظر این گروه از استادان برای نشان دادن حالت سکون، نیازی به قرار دادن علامت سکون بر روی حرف ساکن نیست.^{۱۲}

نظر مرکز

با توجه به موارد گفته شده و تعداد قابل توجه حروف ساکن در متن قرآن کریم، این مرکز بر آن شد تا در ضبط کلمات این مصحف شریف از علامت سکون استفاده نکند، تا بدین وسیله متن قرآن کریم خلوت تر و در نتیجه برای خواننده مأنوس تر شود.

آزمونها و نظرسنجی های مختلفی که از سوی این مرکز صورت گرفته این نظر را تأیید می کنند. کارشناسان وزارت آموزش و پرورش نیز که ارتباط بیشتری با مبتدیان و نوآموزان دارند بر این باورند که حذف سکون نه تنها مشکل ساز نشده بلکه باعث شده تا دانش آموزان با سهولت و روانی بیشتری به خواندن قرآن کریم بپردازند.

حرف ناخوانا

حرف ناخوانا عبارت است از حرفی که نوشته می شود ولی خوانده نمی شود. حرف ناخوانا بر دو گونه است:

۱. حروف همیشه ناخوانا. مانند: **أولوا**
۲. حرف گاه ناخوانا که به هنگام وصل خوانده نمی شود. مانند: **أنا**

نظر قدما

در میان دو مکتب ضبط رایج در مشرق و مغرب و مدینه دو نظر مختلف در مورد استفاده از علامت خاص برای نشان دادن حرف ناخوانا یا عدم استفاده از آن وجود دارد. نقاط اهل مدینه و

نظر مرکز

با توجه به ویژگی‌های خاص ضبط جدید، این مرکز بر آن شد تا از علامت خاصی برای نشان دادن حرف ناخوانا استفاده نکند.

در پیوست شماره پنج نمونه‌ای از مصاحف مختلف رایج در کشورهای اسلامی با مصحف تهیه شده از سوی این مرکز مقایسه شده است. با مراجعه به این پیوست می‌توان به برتری و مزایای شیوه پیشنهادی نسبت به سایر روش‌های موجود پی برد.

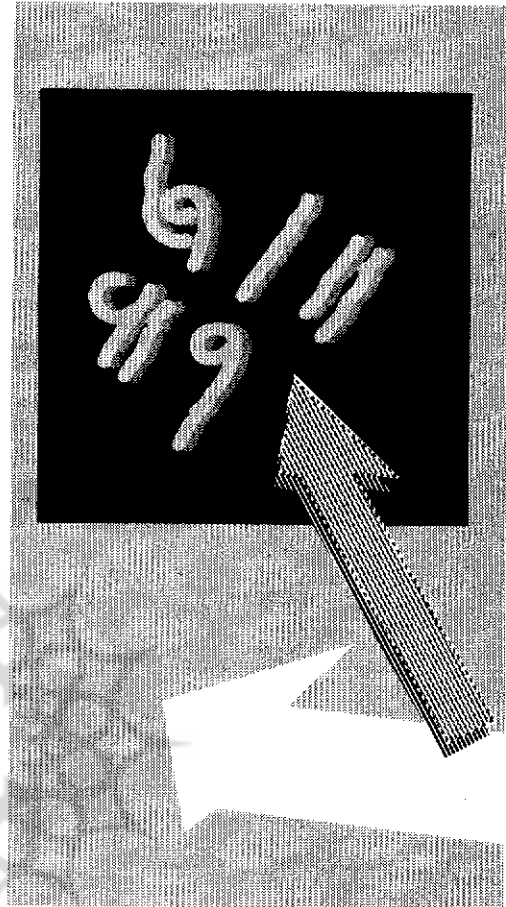
طرح یک اشکال

اشکالی که شاید برخی از دیدگاه نظری به این نظر بگیرند، آن است که بی‌علامت نوشتن حرف ناخوانا در حالی که حرف ساکن نیز بدون علامت نوشته شده، درست نیست و نمی‌توان دو حرف با ویژگی‌های مختلف را به یک صورت نشان داد.

در پاسخ به این اشکال باید به مواردی به شرح زیر اشاره کرد: ۱. همان‌طور که اشاره شد، سوابق تاریخی نشان می‌دهد که این کار تازه‌ای نیست. در گذشته نیز برای حروف ساکن و ناخوانا علامتی در نظر نمی‌گرفتند و این موضوع اشکالی به وجود نمی‌آورد.

۲. در کتب درسی دوره ابتدایی، بویژه در کتاب فارسی سال اول، برای حرف ساکن و حرف ناخوانا علامتی در نظر گرفته نشده است. دانش‌آموز در این مقطع تنها از طریق آموزش و تکرار کلمات است که می‌تواند کلمات دشواری چون «خورشید»، «خواهر»، «خواندن» و «خودخواهی» را درست و بدون غلط بخواند.

۳. این اشکال تنها در مورد چند کلمه محدود قابل قبول است که شیوه صحیح قرائت آن‌ها نیز از راه بیان یک یا دو قاعده ساده قابل آموزش است. در صورتی که وجود این علائم باعث ایجاد اشکال در قرائت کلمات بی‌شماری شده است که آموزش قرائت صحیح آن‌ها به این راحتی امکان‌پذیر نیست.



مغرب دایره کوچکی به رنگ قرمز بر روی حرف ناخوانا قرار می‌دادند.^{۱۳} این در حالی است که نقاط مشرق تنها برای مشخص کردن حرکت حروف متحرک مفتوح و مکسور و مضموم و حرف تنوین دار و حرف مشدد و همزه از دایره قرمز استفاده می‌کردند و برای نشان دادن حالت سایر حروف از جمله حرف ناخوانا، نقطه‌ای قرار نمی‌دادند.^{۱۴}

نظر معاصران

در میان شیوه‌های رایج ضبط کلمات قرآن کریم نیز دو نظر درباره حرف ناخوانا وجود دارد. برخی بر این باورند که حرف ناخوانا نیازی به علامت مشخصه ندارد و گروهی نیز معتقدند که برای تمایز این حرف از سایر حروف باید دایره کوچکی بر روی آن قرار داد. برای نمونه به جداول پیوست رجوع شود.

در پایان از تمام استادان، معلمان و صاحب‌نظران استدعا دارد تا با ارائه نظریات و پیشنهادهای خود، مرکز طبع و نشر قرآن را در انجام وظائفش یاری نمایند.

<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا مِمَّا هُمْ فِي وَجْهِهِمْ مِنْ أَمْرِ الشُّجْرَةِ ذَلِكَ مَثَلُهمُ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهمُ فِي الْإِنجِيلِ كَرِيعَ آخِرِ شَطْرِهِ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٥٠﴾</p>	<p>ایرانی (نیری)</p>
<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا مِمَّا هُمْ فِي وَجْهِهِمْ مِنْ أَمْرِ الشُّجْرَةِ ذَلِكَ مَثَلُهمُ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهمُ فِي الْإِنجِيلِ كَرِيعَ آخِرِ شَطْرِهِ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٥٠﴾</p>	<p>ترکی (حامد الامدی)</p>
<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا مِمَّا هُمْ فِي وَجْهِهِمْ مِنْ أَمْرِ الشُّجْرَةِ ذَلِكَ مَثَلُهمُ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهمُ فِي الْإِنجِيلِ كَرِيعَ آخِرِ شَطْرِهِ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٥٠﴾</p>	<p>هندی</p>
<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا مِمَّا هُمْ فِي وَجْهِهِمْ مِنْ أَمْرِ الشُّجْرَةِ ذَلِكَ مَثَلُهمُ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهمُ فِي الْإِنجِيلِ كَرِيعَ آخِرِ شَطْرِهِ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٥٠﴾</p>	<p>مصری (عثمان طه)</p>
<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا مِمَّا هُمْ فِي وَجْهِهِمْ مِنْ أَمْرِ الشُّجْرَةِ ذَلِكَ مَثَلُهمُ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهمُ فِي الْإِنجِيلِ كَرِيعَ آخِرِ شَطْرِهِ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٥٠﴾</p>	<p>مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران (رایانه)</p>

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آموزش قرآن کریم و تعلیمات دینی سوم دبستان.
- احمد حاجی شریف و محمد خواجوی و محمدرضا صلح جو. تهران. ایران. اداره کل چاپ و توزیع کتاب های درسی. ۱۳۷۶.
۳. آواشناسی زبان عربی.
- دکتر ابراهیم انیس. ترجمه ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو. قم. ایران. انتشارات اسوه. پاییز ۱۳۷۴. چاپ اول.
۴. بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی.
- محمدرضا ستوده نیا. تهران. ایران. نشر رایزن. ۱۳۷۸. چاپ اول.
۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران. ایران. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. ۱۳۷۲. چاپ اول.
۶. دراسات فی علم اللغة.
- دکتر کمال محمد بشر. قاهره. مصر. دارالمعارف. ۱۹۸۶ م. چاپ نهم.
۷. دراسات فی فقه اللغة.
- دکتر صبحی صالح. قم. ایران. نشر ادب الحوزة. افست.
۸. رسم المصحف.
- غانم قذوری المحمّد. بیروت. لبنان. مؤسسة المطبوعات العربية. ۱۴۰۲ هـ. ق / ۱۹۸۲ م. چاپ اول.
۹. السبیل الی ضبط کلمات التنزیل فی فن الضبط
- احمد محمد ابوزیتحار. قاهره. مصر. مطبعة محمد علی صبیح و اولاده بالأزهر. بدون تاریخ. چاپ دوم.
۱۰. الغایة فی القراءات العشر.
- احمد بن حسین بن مهران نیشابوری. ریاض. عربستان. شركة الغیبکان للطباعة والنشر. ۱۴۰۵ هـ. ق / ۱۹۸۵ م. چاپ اول.
۱۱. القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحدیث.
- دکتر عبدالصبور شاهین. قاهره. مصر. مکتبة الخانجی. بدون تاریخ.
۱۲. مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی.
- دکتر رمضان عبدالنوّاب. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد. ایران. آستان قدس رضوی. بهمن ۱۳۶۷. چاپ اول.
۱۳. المحکم فی نقط المصاحف.
- ابوعمر و دانی. تحقیق دکتر عزّة حسن، دمشق. سوریه. دارالفکر. ۱۴۰۷ هـ. ق / ۱۹۸۶ م. چاپ دوم.
۱۴. المصاحف.
- ابن ابی داود سجستانی. بیروت. لبنان. دارالکتب العلمیة. ۱۴۰۵ هـ. ق / ۱۹۸۵ م. چاپ اول.
۱۵. معجم المؤلفین.
- عمر رضا کحّالة. بیروت. لبنان. مؤسسة الرسالة. ۱۴۱۴ هـ. ق / ۱۹۹۳ م. چاپ اول.
- زیر نویس ها
۱. إن شئتَ نَقَطتَ البیاءَ من «یوقنون» و «یورث» و ما أشبههما، وإن شئتَ ترکتهما. و كذلك الصاد الأولى من «مرصوص». و اکثرهم لا یَنقُط نحو ذلك. (المحکم، ص ۲۱۶).
۲. در مورد استفاده مغربیان از این علایم یا عدم استفاده ایشان از آن با مورد خاصی مواجه نشدید.
۳. در برخی از «عم جزء» های منتشر شده در سال های اخیر از این علایم برای نشان دادن حرکات کشیده استفاده نشده است.
۴. دکتر ابراهیم انیس. آواشناسی زبان عربی. ترجمه ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو. ص ۳۸.
۵. رک: دکتر عبدالصبور شاهین. القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحدیث. ص ۲۳. دکتر کمال محمد بشر. دراسات فی علم اللغة. ص ۱۰۲. دکتر رمضان عبدالنوّاب. مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی. ترجمه حمیدرضا شیخی. ص ۴۵۱. محمدرضا ستوده نیا. بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی. صص ۵۷ و ۵۸.
۶. مؤلفان کتاب سابق «آموزش قرآن کریم» سال سوم دبستان نیز معتقدند که استفاده از علائم همراه برای مصوّت های کشیده تأثیری در خواندن آنها ندارد. (رک: احمد حاجی شریف و دیگران، آموزش قرآن کریم سوم دبستان، ص ۹۷).
۷. رک: دکتر کمال محمد بشر، دراسات فی علم اللغة، ص ۱۷۸.
۸. اختلف علماء الضبط: هل یفتقر الساکن الی علامة تدل علی سکونه ام لا؟ فذهب نقّاط العراق الی عدم احتیاج الساکن الی علامة تدل علی سکونه، و ذهب غیرهم الی احتیاجه الی علامة تضبطه و اختلف القائلون بذلك فی علامته و موضعه. (احمد محمد ابوزیتحار، السبیل الی ضبط کلمات التنزیل فی فن الضبط، صص ۸ و ۹).
۹. «دانی» در این باره می گوید: أجمع نقّاط اهل المصرین و من تابعهم ان الهمزة الساکنة یَنقُط علیها، و لا یَنقُط علی غیرها من السواکن. (المحکم، ص ۲۲۵). در ضبط قرآن تهیه شده توسط این مرکز نیز حرف همزه ساکن به صورت «أ، ث، ذ، و» نوشته شده است.
۱۰. رک: همان. ص ۷۳ تا ۷۶.
۱۱. برای نمونه می توان به «مصحف امیری» و «مصحف مدینه» اشاره کرد.
۱۲. دکتر صبحی صالح. دراسات فی فقه اللغة. ص ۳۵۶. پاورقی.
۱۳. المحکم، ص ۱۹۱.
۱۴. المحکم، ص ۲۱۰.